مسؤولیت طراحی کارهای موقتی در بیمه ساختمان

معاملهء اینترنت با یک ریسک فنی معاملهء مستقیم،به‏ ویژه در شکل ریسک‏های مسؤولیت،برابری کند».

در کنفرانس کلن ری،سخنرانان دیگر به بحث در مورد موضوعاتی از جمله امکان معاملات و بازاریابی‏ با توجه به مسائل قانونی در آلمان،اتحادیهء اروپا و امریکا پرداختند.آخرین سخنران میشل برن از مشاوران تأمین شرکت کرول اسوشیتس در مورد انواع مختلف ریسک صحبت کرد.وی شیوه‏هایی را که شرکت می‏توانند مستعد هجوم از طریق به کارگیری‏ اینترنت شوند بررسی و جست‏وجو کرد.او مثال‏هایی‏ از قبیل دسترس غیر مجاز به سیستم‏ها،ویروس‏ها و «سیل»با پست ذکر کرد.

آقای برن می‏گوید:شرکت باید خطرهای مربوط به‏ اینترنت را بسنجند و بدین ترتیب از میزان خطرهای‏ واقعی مورد بحث،آگاه شوند.بر این اساس،اقدامات‏ سپس می‏توان اقدامات امنیتی مشخص و دقیقی را اجرا کرد.از آن‏جایی که هرگز یک معیار امنیتی قطعی‏ وجود نخواهد داشت،بنابراین یک نسبت سودآوری‏ از سود و اقدامات امنیتی برقرار خواهد شد.هم‏چنین. احتمالا تقاضا برای مرکز امانی که صحت اسناد داده‏های مربوط به امنیت را بررسی کنند افزایش‏ خواهد یافت.وی متذکر شد که در این شرایط نباید روش‏های امنیتی متداول کنار گذشته شود.

کواک گروبکر به سخنان کوتاه آقای برن برای‏ توجیه این مسأله افزود:«این قبیل فرصت‏های جالب‏ عمر طولانی نخواهد داشت.در مقابل فرصت‏های‏ اقتصادی قابل دسترس از طریق اینترنت،هر عرضه کنندهء تجاری اینترنت آماده قبول خطر و زیان‏ ناشی از آن است؛به‏طوری که عرضه کننده می‏تواند یا آن را به بیمه‏گر انتقال دهد یا خود متحمل شود. در پیش‏روی ما قرار دارد تنها کاری که باید انجام‏ دهیم استفاده از آن است».

منبع:

THfe Review August-1998.

مسؤولیت طراحی کارهای موقتی در بیمهء ساختمان

معمولا در هنگام برقراری رابطه میان طرفین یک‏ قرارداد برای اجرای یک پروژه،معمولا کارفرما، مهندس مشاور را برای به عهده گرفتن طراحی عمومی‏ کارها استخدام می‏کند.پیمانکاراصلی نیز،در بعضی‏ مواقع تشخیص می‏دهد که برای مشاوره در بعضی‏ امور مانند طراحی ساختمان و کارهای موقتی،یک‏ مهندس مشاور را به کار گیرد.در اینزمینه معمولا این‏ پرسش مطرح می‏شود که مسؤولیت طراحی،به ویژه‏ در کارهای موقتی چیست.اگر قراردادی وجود داشته‏ باشد که مسؤولیت طرفین را مشخص کند،پاسخ‏ روشن خواهد بود.

قرارداد،یا مسؤولیت‏های طراحی را که بر عهدهء کارفرماست روشن و مشخص می‏سازد یا از کارفرما می‏خواهد که طبق مشخصاتی که مهندس مشاور یا شاید معمار،ارائه کرده است کارها را به عهده گیرد.به‏ هر حال،مشکل زمانی پدیدار می‏شود که هیچ قرارداد مکتوبی میان طرفین وجود نداشته باشد.

این امر معمولا هنگامی اتفاق می‏افتد که کارفرما تنها بر پایهء مفاهیم اقتباس شده از چگونگی کار و یا بر پایه مشخصاتی که پیمانکار تهیه کرده،کار را می‏پذیرد.در آن شرایط،این مسأله مطرح می‏شود که‏ مسؤولیت خسارت‏های ناشی از طراحی نادرست‏ بر عهدهء چه کسی است.این امر ممکن است میان‏ کارفرما و پیمانکار اصلی واقع شود،ولی معمولا میان‏ پیمانکار اصلی و پیمانکار فرعی اتفاق می‏افتد.برای‏ بیمه‏گر خیلی اهمیت دارد که مسؤولیت‏های مربوط به‏ مهندس مشاور،پیمانکار اصلی،پیمانکار فرعی،و شاید کارفرما را در نظر بگیرند.

پیشینه

تعیین مسؤولیت بین طرفین قرارداد در قضیهء دعوی یک شرکت ماشین‏سازی (Plsant) علیه شرکت‏ کلایو آدامز (CAA) مورد توجه قرار گرفت.در این‏ ماجرا،شرکت (Plant) در مناقصهء نصب دو موتور بالا برنده در حفره‏های موجود در مرکز تحقیقات و مطالعات شرکت اتومبیل سازی فورد در انگلستان، برنده شد.شرکت فورد مناقصه را بر اساس طراحی‏ داخلی شرکت به اجرا گذاشته بود.برای مختصر کردن‏ مراحل مناقصه.مدارک مناقصه شامل مشخصاتی بود که به‏طور شتابزده تهیه شده بود و به پیمانکاران تنها دو هفته مهلت داده شده بود تا پیشنهادهای خود را ارائه دهند(که معمولا این مدت بیشتر است). مناقصه‏کاران هیچ طرح ذهنی از قیمت نداشتند و مجبور بودند که تا حد امکان از کارکنان فورد که در قرارداد مشخص شده بودند اطلاعات کسب کنند.

شرکت (Plant) بر اساس مشخصات تهیه شده، پیشنهادی ارائه داد و برندهء مناقصه شد و کارهای‏ ساختمانی فرعی را به یک پیمانکار فرعی به نام‏ شرکت ساختمانی JMH واگذار کرد.شرکت Plant ، شرکت CAA را نیز در سمت مهندس مشاور ساختمانی برای طراحی و نظارت بر کارهای‏ ساختمانی فرعی وارد ماجرا کرد.با توجه به این‏که‏ تجهیزات مربوط به حفره‏ها در ساختمان فعلی مستقر شده بوند،برخی از پروژه‏های موقتی برای برداشتن‏ قسمتی از بتون‏های کف ساختمان و حفاری لازم بود. طبق قرارداد منعقد شده با Plant ،این کارها و پروژه‏های موقتی به JMH محول شده بود. JMH وظیفه داشت تا هنگام تکمیل پی‏ریزی بتونی در نزدیکی ستون نگهدارندهء سقف،از سقف محافظت‏ به عمل آورد.کار در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر شروع شد. JMH برای حفاظت از سقف،این‏گونه عمل‏ کرد که چهار ستون استاندارد را به‏طور عمودی میان‏ کف و سطح داخلی سقف نصب کرد که ارتفاع بعضی از آن‏ها به 5 متر می‏رسید.پس از آن شروع به حفاری‏ کرد ولی هنگامی که پروژه برای پی‏ریزی آماده بود به‏ علت تعطیلات سال نو کار متوقف شد.در روز اول‏ ژانویه،باران شدیدی شروع به باریدن کرد و در ساعات اولیهء روز دو ژانویه سقف منطقه به کلی فرو ریخت و باعث خسارت‏های بسیار اساسی و قطع‏ عملیات شرکت فورد شد.

اقدام قانونی

شرکت فورد به سبب خسارت‏های به وجود آمده‏ از Plant شکایت کرد و شرکت Plaknt 031/313/1 پوند به فورد پرداخت. Plant نیز علیه مهندس مشاور (CAA) و پیمانکار فرعی (JMH) شکایت کرد. مهندس مشاوره به پرداخت 000/250 پوند،حداکثر مبلغ مشخص شده در بیمه‏نامه،ملزم شد.براین اساس‏ که دیگر شرکت‏های Plant و CAAṣJMH را تحت‏ پیگرد قانونی قرار ندهند.

سپس این پرسش درباره مسؤولیت طراحی‏ کارهای موقتی،میان پیمانکار اصلی Plant و پیمانکار فرعی، JMH ،پیش آمد.قرارداد میان Plant و JMH بر این اساس به وجود آمده بود که Plant اطلاعاتی را که‏ JMH ارائه کرده بود پذیرفته بود.قرارداد فاقد هرگونه‏ شرط جزئی بود.آقای هیکس موظف بود که با توجه‏ به فقدان هرگونه شرط مکتوب به صورت قرار داد، مسؤولیت JMH را تشخیص دهد.

یافته‏ها

آقای هیکس کشف کرد که شرط محافظت کاملا در حیطهء وظایف پیمانکار فرعی، JMH قرار داشته است. سپس او ملزم شد این نظریه را بپذیرد که یک قاعدهء سنتی ثابت یا رویه یا قانونی وجود دارد که طبق آن و در هنگام نبود یک شرط مشخص و ویژه،برخلاف‏ معمول،پیمانکار برای طراحی کارهای موقتی در قبال‏ کارفرما،مسؤول است.به علاوه،این قاعدهء سنتی، رویه یا قانون،در هنگام اقتضا،در جایی که پیمانکار فرعی عهده‏دار انجام دادن کارهای موقتی است، مسؤولیت او را در قبال پیمانکار اصلی مشخص‏ می‏کند.هیکس دریافت که یک قاعدهء سنتی ثابت یا رویه‏ای وجود دارد که با توجه به شرایط قضیه، این‏گونه مسؤولیت‏ها را برای پیمانکار فرعی یا پیمانکار اصلی دربر دارد.وی با بررسی مدارکی که‏ PlantṣJMH و متخصصان مربوط ارائه کرده بودند دریافت که JMH تشخیص داده بود که پایه‏های‏ نگهدارندهء سقف نامناسب هستند،و این مسأله را به‏ Plant گوشزد کرده بود.هم‏چنین آقای هیکس دریافت‏ که اخطار JMH برای این که به مسؤولیت او در قبال‏ ماشین‏سازی خاتمه دهد کافی نبوده است.در این‏ زمینه JMH وظیفه داشته است که دقت و مهارت کافی‏ را در ارزیابی میزان نامناسب بودن پایه‏های به کار برده به Plant اخطار و تذکر دهد.وی هم‏چنین‏ دریافته بود که Plant نیز به سهم خود بی‏مبالات بوده، زیرا که موضعی انفعالی و غیرانفعالی اتخاذ کرده و هیچ‏ راه‏حل مناسبی پیشنهاد نکرده است.

در مورد مسؤولیت میان Plant و JMH با توجه به‏ تفویض کار به یک مهندس واجد شرایط به نام CAA ، Plant ،پیمانکار اصلی،مسؤول شناخته شد،و با حکم‏ نهایی آقای هیکس بود که در شکایت Plant علیه‏ JMH برای دریافت خسارت،به علت به قصور JMH در طراحی کارهای موقتی،به عنوان وظایف‏ محوله‏اش Plant ،دعوی او در حدود 80 درصد کاهش یافت.

آنچه بیمه‏گران باید بدانند

برای بیمه‏گران مهندسی،قضیه حاوی روش‏های‏ برای کاهش مسؤولیت در موارد قصور در مهندسی‏ بود.قضیه هم‏چنین اهمیت حقایق منحصر به فرد را در تعیین نسبت مسؤولیت بین طرف‏های درگیر مشخص‏ می‏کند.در امر مسؤولیت طراحی،قضیه،یک قاعدهء سنتی یا رویهء خیلی مهم را توضیح می‏دهد که در هنگام فقدان یک شرط قراردادی،مسؤولیت طرفین را معلوم می‏سازد.آن رویه یا سنت این است که پیمانکار اصلی مسؤول طراحی کارهای موقتی است مگر این‏ که مسأله مشخصی در قرارداد باشد که این رویه یا سنت را لغو کند.

این مسؤولیت طراحی بر عهدهء پیمانکار فرعی نیز هست که همان کار خاص را انجام می‏دهد،به شرط این‏که هیچ چیز دیگری در قضیه،این مسؤولیت را ملغی نکند.در هنگام اعمال این رویه یا سنت،باید توافق عمومی طرفین را نیز به‏طور کامل مدنظر قرار دهیم و هم‏چنین به این مسأله توجه کنیم که توافق‏ عمومی میان طرفین ممکن است اجرای این قاعده را خنثی کند.افزون براین،عبارت‏ها و شرایط خاص‏ موجود در قرارداد منعقد شده بین طرفین نیز ممکن‏ است بر اجرای این قاعده اثر بگذارد.

همان‏گونه که معمولا اتفاق می‏افتد،تغییراتی در هنگام اجرای قرارداد ممکن است ایجاد شود که به‏ طور اصولی اجرای قاده را تحت تأثیر قرار دهد.در حالی که قضیه بر این امر دلالت دارد که برای تعیین‏ مسؤولیت کارهای موقتی در صورت فقدان یک شرط قراردادی،یک رویه یا سنت مهم وجود دارد،در عین‏ حال اهمیت بررسی دقیق شرایط قضیه که ممکن است‏ مسائلی اصولی دربارهء تعیین مسؤولیت را آشکار کند نیز تأیید می‏کند،که این مسائل ممکن است در ظاهر دعوی بر ما آشکار نباشد.

منبع

Asia Insurance,Sep.1998.